

دموکراسی از طراز کمون

نگاهی به نوشته رفیق روبن در باره رای عمومی و دولت کارگری

رفیق روبن مطلبی در رابطه با حق رای عمومی و دولت کارگری نوشته است که از جهات زیادی قابل بررسی است. نخست آنکه سبک انتقاد روبن آسان طلب است و پشتش را به موجی میدهد که علیرغم تنومندی مدتهاست دورانش سپری شده است و نمی تواند پاسخگوی بحران چپ از یکسو و بر علیه حملات بی وقفه از سوی دیگر بر علیه کمونیستها باشد. حتی نمی تواند به تعمیق دموکراسی و اساسا دموکراسی کارگری فرا روید. این معادله ساده که «چپ دموکراسی را قبول ندارد، به رای عمومی بی توجه است و... از همه مهمتر خواهان حکومتی مستبد است» هنوز مستقیما بیان هیچ آلترناتیوی نیست. زمانی مسئله حاوی بدیلی است که سخن از الترناٹیو اثباتی بمیان آید. تنها در این حالت است که جوهر واقعی این انتقادات خود را نشان میدهد. ما نیازمند نقد هستیم ما باید بی رحمانه آنچه بنام چپ و کمونیسم بر علیه حاکمیت توده های کارگر و زحمتکش جامعه بر سرنوشت خویش و آزادیهای بی قید و شرط سیاسی انجام شده است نقد کنیم. اما نباید فراموش کرد که همزمان سوسیالیسم آن جنبشی است که وضعیت کنونی امور را ملغی میکند. از جمله مشخصات وضعیت کنونی امور درک رایجی است که در باره آزادی و حاکمیت بر سرنوشت خویش تبلیغ میشود.. در اصطلاح رایج از دخالتگری اکتفا به صندوق رای یک باور سیاسی است که در بهترین حالت توسط طبقه حاکم پاسداری میشود. این مسئله از اصول سرمایه داری برای دموکراسی پس از انقلابات بورژوازی بوده است. مبارزات توده های کارگر و زحمتکش برای دخالت در سرنوشت خویش این پاسخ را بالاخره از طبقه حاکم دریافت نموده است. طبق این اصول اراده رای دهنده همراه ورقه رای از او سلب میشود تا صندوق بعدی. رای اگر در راستای تامین اراده رای دهنده نباشد چه فایده دارد؟. از این گذشته مصداق های تاریخی این دیدگاه و تازه ترین هایش مجالس موسسان در بهار عربی و رای عمومی در یونان و... کشتی هایی به گل نشسته هستند. از اینرو کمونیستها از آغاز منقد تجزیه رای و اراده بوده اند و کمون پاریس نقطه پایانی بر این دموکراسی صوری بود. رفیق روبن میگوید شما دارید برای رای عمومی شرط میگذارید! آری باید شرط گذاشت. بگذار باز هم شرط های دیگری بگذاریم و برایش مبارزه کنیم و آن شرط ها اینست که رای باید قابل پس گرفتن هم باشد و اگر بحث انتخابات است منتخبین باید هر لحظه قابل عزل باشند و... آیا رفیق روبن چنین شرط هایی را بر رای عمومی نمی پذیرد؟! اینجا دیگر فریاد رفیق در سایتها می پیچد که «باور نکردنی است ولی واقعیت دارد که بخشی از رفقای ما در "نشست سازمان ها، احزاب و نهادهای چپ و کمونیست" ضمن آن که خود را مارکسیست می دانند بر آن هستند که در سوسیالیسم حق رای عمومی بدون هیچ قید و شرط، برای تعیین و تغییر نظام سیاسی وجود ندارد.» رفیق ما را قبلا هم متهم کرده بود که مجلس موسسان را بعنوان عالی ترین تجلی رای عمومی رد میکنیم. ما توضیح دادیم که بدیل ما حکومتی از طراز کمون است و در آنجا رای و اراده با هم حضور میابند. آیا حکومتی از طراز کمون ناقض مضمون رای عمومی و حق تاسیس و تعیین حکومت از سوی اکثریت کارگران و زحمتکشان است؟! و در آنجا هر روز مصداق رای عمومی و مجلس موسسانی نهادینه شده وجود ندارد؟. کمون پاریس نقطه عطفی در این دوران است و سالهاست دوران جدیدی آغاز شده است. اما درک مبتنی بر تجزیه امور بر سبیل عادت جاری مجلس موسسانی میخواهد که مجوز صلاحیت حکومت را صادر کند و پی کارش برود تا موقعیتی دیگر. همینطور رای عمومی برایش رخدادی

منحصر بفرد و یک بار مصرف است. بر مبنای این دیدگاه اکثریت کارگران و زحمتکشان حکومت نمی کنند بلکه حکومت را انتخاب میکنند و تصمیم میگیرند چه کسان یا احزابی بر آنها حکومت کنند. با این حساب باید کمون را که محصول آنچنان مجلس موسسانی نیست دارای مشروعیت ندانست. بسیار منطقی بود که طرفدار مجلس موسسان معمولی مثال ها و فاکت های خود را از مجالس موسسان متعدد تاریخی بیاورد و با اتکا به آنها مدعایش را ثابت کند. مثلا علاوه بر مجالس و رای عمومی رخداده در بهار عربی با نتایج خفت بارشان می شد رای عمومی برای جمهوری اسلامی آری یانه و... را بررسی کرد که نقد هر کدام مستلزم رعایت شرطی در باره رای عمومی و مجلس موسسان است. همانطور که مارکس نقد رای بنیادین را با اتکا به شرطی بر رای عمومی توضیح میدهد و شما هم به آن اشاره میکنید. باور کردنی نیست اما واقعیت دارد که ر- روبن علیرغم همه این اظهارات از کنار مصداق های تاریخی دیدگاهش به آسانی میگذرد و با شگفتی روی کمون پاریس خم میشود. جایی که مجلس موسسانی جداگانه از ساختار کمون مشروعیتش را تایید نکرده بود. و رای عمومی برایش رخدادی یکبار مصرف و خارج از ساختارش نبود. البته این گشت و گذار در کمون پاریس رفیق ما را مجاب نمی کند تا اتهام به ما را تخفیف دهد که هیچ بلکه آنرا رخدادی در جهت تایید نقدش تلقی میکند. چرایش هم البته برای ما که با بدیلی از طراز کمون نقد خود را سازمان داده ایم معلوم نیست. شاید منظور رفیق اینست که از ابتدا منظورش از مجلس موسسان و رای عمومی بدون قید و شرط همین کمون پاریس بوده است! شاید منظورش اینست که علاوه بر حکومتی از طراز کمون ما به یک مجلس موسسانی هم جداگانه نیاز داریم تا صلاحیت کمون را تایید کند. آینده نشان خواهد داد که منظور او چه بوده است بگذار گمانه زنی نکنیم. علیرغم این سبک کار شگفت انگیز مراجعه به کمون میتواند نتایج مثبتی برای مبارزه ایدئولوژیک در میان ما باشد و حداقل حکومتی از طراز کمون را به آلترناتیو جمعی ما بدل کند. با سبک کار موجود شاید این خوشبینی را باید با احتیاط پی گرفت. حداقل من از حکومتی از طراز کمون با رای عمومی مخصوص به خودش و شیوه تاسیس حکومت از این دست کاملا موافقم و آرزو میکنم کمونیستها این نوع دموکراسی را که دموکراسی کارگری است و محصول یک انقلاب میتواند باشد و ظرفیت رهایی کارگران را دارد برگزینند. رفیق روبن اما در تدارک چنین حکومتی نیست و نقدا تدارک مجلس موسسان و رای عمومی منتزع از ساختار سیاسی را عمده میکند. ما کف خواسته های کارگران را در رابطه با بدیل جمهوری اسلامی حکومتی از نوع کمون میدانیم و همانطور که اشاره شد معتقدیم این ساختار نوین رای عمومی و امکان تغییر را باید به امری همیشگی و نهادینه بدل کرده و رای و حضور نه فقط یک بر گه رای سوخته بلکه به مقولاتی نهادینه و در هم ادغام شده باید بدل شود. هر نقدی در خدمت تغییری از این دست همزمان پاسخی به تبلیغات سرمایه داری و نیرو بخش جنبش کارگری است باید از آن استقبال کرد. تاریخ عملکرد بنام کمونیسم مقوله ای است که باید در پروسه بازبینی و نقد قرار گیرد اما نقدی که ناشی از تلقی سرمایه دارانه از امور نباشد. نوشته رفیق روبن از جمله با مراجعه به نوشتجات دیگر رفیق مجموعا تناقضاتی را حمل میکند که ناشی از نوعی سبک کاروبینش در عرصه نقد است و من از آنها بخاطر کوتاه نویسی و دوری از تکرار می گذرم.

بدیلی از طراز کمون شعار روشن همکاری ها بین کمونیستها در شرایط کنونی است که می توان حول آن متشکل شد

سعید سهرابی 404016

[فایل های صوتی و نقطه نظرات انتقادی را میتوان در این رابطه از اینجا دید](#)